

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ساعات ثبت داده‌ها را به عنوان طول نقاط و تعداد مشتریان را به عنوان عرض نقاط در نظر گرفته و مختصات نقطه‌ی میانگین را تعیین می‌کنیم.

$$\bar{x} = \frac{1 + 2 + 3 + 4 + 5}{5} = 3$$

$$\bar{y} = \frac{60 + 70 + 50 + 50 + 40}{5} = \frac{270}{5} = 54$$

با مختصات نقطه‌ی میانگین $(3, 54)$ و نقطه‌ی نهایی $(5, 40)$ معادله‌ی خط را می‌نویسیم.

$$m = \frac{54 - 40}{3 - 5} = \frac{14}{-2} = -7$$

$$y = mx + \frac{m=-7}{(5,40)} 40 = -7(5) + h \Rightarrow h = 75$$

$$y = -7x + 75$$

اکنون $x = 6$ را در معادله‌ی خط جایگذاری می‌کنیم.

$$y = -7(6) + 75 = -42 + 75 = 33$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

روش تشریحی: ساعت ۱۱ بین ساعت ۹ و ۱۳ قرار دارد. با استفاده از مختصات $(9, 36/8)$ و $(13, 37)$ پس از تعیین شیب، معادله خط مربوطه را می‌نویسیم.

$$m = \frac{37 - 36/8}{13 - 9} = \frac{0/2}{4} = 0/05$$

$$y = mx + h \xrightarrow{m=0/05} 37 = 0/05(13) + h \Rightarrow h = 37 - 0/65 = 36/35$$

$$y = 0/05x + 36/35$$

اکنون $x = 11$ را در معادله‌ی خط جایگذاری می‌کنیم.

$$y = 0/05(11) + 36/35 = 0/55 + 36/35 + 36/9$$

روش سریع: $x = 11$ میانگین زمان‌های ثبت داده‌های قبل و بعد آن می‌باشد.

$$x = \frac{9 + 13}{2} = 11$$

طبق درون‌یابی خطی داده‌ی متناظر با $x = 11$ نیز میانگین داده‌های ثبت شده‌ی قبل و بعد آن می‌باشد.

$$y = \frac{36/8 + 37}{2} = 36/9$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تعداد بطری فروخته شده در روزهای فرد هفته، میانگین تعداد بطری فروخته شده در روز قبل و بعد آن است.

$$\begin{aligned} \text{تعداد بطری فروخته شده روز یکشنبه} &= \frac{۱۲۰ + ۲}{۲} = ۱۶ \\ \text{تعداد بطری فروخته شده روز سه شنبه} &= \frac{۲۰ + ۲۲}{۲} = ۲۱ \\ \text{تعداد بطری فروخته شده روز پنجشنبه} &= \frac{۲۲ + ۲۶}{۲} = ۲۴ \end{aligned}$$

تعداد کل بطری‌های فروخته شده را محاسبه می‌کنیم.

$$۱۲ + ۱۶ + ۲۰ + ۲۱ + ۲۲ + ۲۴ + ۲۶ = ۱۴۱$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مجموعه داده‌هایی که در طی زمان با فواصل منظم گردآوری می‌شوند را سری زمانی می‌نامند. بررسی عبارات:

الف) داده‌ها به صورت روزانه گردآوری شده‌اند. سری زمانی است.

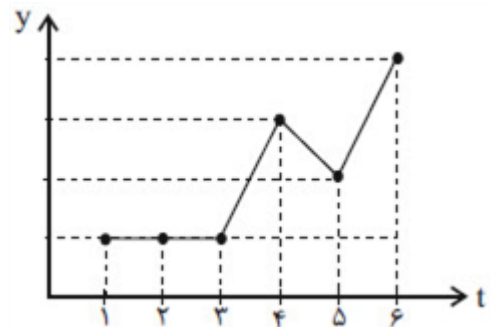
ب) سری زمانی نیست.

ج) داده‌ها به صورت یک هفته در میان (فواصل منظم) گردآوری شده‌اند، سری زمانی است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

تکرار یک ویژگی در نمودار سری زمانی را الگو می‌نامند، اما تنها با تکرار یک داده نمی‌توان به یک الگو دست پیدا کرد. مانند نمودار مقابل:

در زمان‌های ۱، ۲ و ۳ مقدار داده‌ها برابرند و یک داده تکرار شده اما در زمان‌های بعدی مقادیر داده‌ها نامنظم هستند.



گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دوره تناوب نمودار الف برابر ۶ ساعت و دوره تناوب نمودار ب برابر ۸ ساعت است و اختلاف این دو عدد برابر $۸ - ۶ = ۲$ است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$\bar{x} = \frac{۳ + ۰ + ۰}{۳} = ۱$$

ابتدا میانگین داده‌ها را محاسبه می‌کنیم:

انحراف معیار از رابطه‌ی زیر به دست می‌آید:

$$\begin{aligned} \sigma &= \sqrt{\sigma^2} = \sqrt{\frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}} \\ \sigma &= \sqrt{\frac{(۰ - ۱)^2 + (۰ - ۱)^2 + (۳ - ۱)^2}{۳}} = \sqrt{\frac{۶}{۳}} = \sqrt{۲} \end{aligned}$$

ساعت ۱۱ بین ساعات ۱۰ و ۱۲ قرار دارد. پس از دو نقطه‌ی $A(10, 0)$ و $B(12, 60)$ استفاده می‌کنیم:

$$m = \frac{y_B - y_A}{x_B - x_A} = \frac{60 - 0}{12 - 10} = \frac{60}{2} = 30$$

$$y - y_A = m(x - x_A) \Rightarrow y - 0 = 30(x - 10)$$

$$\Rightarrow y = 30x - 300 \xrightarrow{x=11} y = 30(11) - 300 = 330 - 300 = 30$$

تخمین تعداد ورود مشتریان

$$\text{خطای درون‌یابی} = |\text{مقدار تخمینی} - \text{مقدار واقعی}| = |35 - 30| = |5| = 5$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. با استفاده از نقاط $(10, 150)$ و $(11, 190)$ ابتدا تابع خطی را می‌نویسیم.

$$y - y_1 = m(x - x_1)$$

$$m = \frac{190 - 150}{11 - 10} = 40$$

$$y - 150 = 40(x - 10) \xrightarrow{x=10/5} y - 150 = 40(10/5 - 10)$$

$$y - 150 = 40(0/5) \Rightarrow y = 150 + 20 = 170$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. برون‌یابی تخمین داده‌های بعد یا قبل از داده‌های ثبت شده است. در نمودار گزینه‌ی (۳)

تغییرات داده‌ها در طی زمان نسبتاً یکنواخت‌تر می‌باشد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اگر مقدار متغیر در فاصله‌های زمانی یکسان اندازه‌گیری شود و نقاط حاصل به هم وصل شود،

سری زمانی به دست می‌آید. در گزینه ۲ در فاصله‌های زمانی یکسان و برابر ۴ واحد هستند، پس گزینه ۲، می‌تواند نمودار

سری زمانی باشد. در گزینه‌های ۱ و ۳ فاصله‌های زمانی ثابت نیستند و در گزینه ۴ فاصله‌های زمانی ثابت هستند، ولی

زمان نمی‌تواند منفی باشد، پس این گزینه هم نادرست است و نمی‌تواند سری زمانی باشد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ابتدا میانگین طول‌ها و عرض‌ها را جداگانه به دست می‌آوریم:

$$\bar{x} = \frac{8 + 10 + 12 + 14}{4} = 11$$

$$\bar{y} = \frac{8 + 10 + 12 + 6}{4} = 9$$

اکنون معادله خط گذرنده از نقطه میانگین $(11, 9)$ و آخرین نقطه $(14, 6)$ را پیدا می‌کنیم:

$$\frac{y - y_1}{x - x_1} = \frac{y_2 - y_1}{x_2 - x_1} \Rightarrow \frac{y - 9}{x - 11} = \frac{6 - 9}{14 - 11}$$

$$y - 9 = -x + 11$$

پس از ساده‌سازی، معادله خط به صورت زیر خواهد بود:

$$y = -x + 20$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. گزینه‌های ۱ و ۲ صعودی یا نزولی یکنواخت نیستند و گزینه‌ی ۴ هم خطی نیست. بنابراین

گزینه‌ی ۳ که خطی و صعودی است برای این کار مناسب است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نمودار نشان می‌دهد دوره‌ی تناوب ۱۲ سال است. یعنی هر ۱۲ سال نمودار مجدداً تکرار می‌شود، سال ۹۹ روی محور افقی دیده نمی‌شود ولی با توجه به دوره‌ی تناوب (تکرار هر ۱۲ سال) کافی است ۱۲ تا از آن کم کنیم:

$$۹۹ - ۱۲ = ۸۷$$

یعنی تعداد قطعات تولیدی سال ۹۹ با سال ۸۷ برابر است که این مقدار برابر ۳۵۰۰ واحد است.

$$\left. \begin{aligned} \text{تعداد قطعات تولیدی سال } ۹۹ &= ۳۵۰۰ \\ \text{تعداد قطعات تولیدی سال } ۸۱ &= ۳۰۰۰ \end{aligned} \right\} \Rightarrow \text{اختلاف} = ۳۵۰۰ - ۳۰۰۰ = ۵۰۰$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

$$\left. \begin{aligned} \text{میانگین ماه ها} &= \frac{۱+۳+۵+۷+۹}{۵} = \frac{۲۵}{۵} = ۵ \\ \text{میانگین فروش} &= \frac{۵+۷+۱۰+۸+۱۰}{۵} = \frac{۴۰}{۵} = ۸ \end{aligned} \right\} \Rightarrow A(۵, ۸)$$

از طرفی چون نزدیک‌ترین سال به سال سیزدهم، سال نهم است پس نقطه‌ی $B(۹, ۱۰)$ را انتخاب می‌کنیم:

$$m = \frac{y_B - y_A}{x_B - x_A} = \frac{۱۰ - ۸}{۹ - ۵} = \frac{۲}{۴} = \frac{۱}{۲}$$

$$y - y_A = m(x - x_A) \Rightarrow y - ۸ = \frac{۱}{۲}(x - ۵) \Rightarrow y = \frac{۱}{۲}x - \frac{۵}{۲} + ۸ \Rightarrow y = \frac{۱}{۲}x + \frac{۱۱}{۲}$$

$$\xrightarrow{x=۱۳} y = \frac{۱}{۲}(۱۳) + \frac{۱۱}{۲} = \frac{۱۳}{۲} + \frac{۱۱}{۲} = \frac{۲۴}{۲} = ۱۲$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ساعت ۱۶ بین ساعت‌های ۱۵ و ۱۷ قرار دارد پس از دو نقطه‌ی $A(۱۵, ۶)$ و $B(۱۷, ۱۲)$

استفاده نموده و معادله‌ی خط را به دست می‌آوریم:

$$m = \frac{y_A - y_B}{x_A - x_B} = \frac{۶ - ۱۲}{۱۵ - ۱۷} = \frac{-۶}{-۲} = ۳$$

$$y - y_A = m(x - x_A) \Rightarrow y - ۶ = ۳(x - ۱۵) \Rightarrow y = ۳x - ۴۵ + ۶ \Rightarrow y = ۳x - ۳۹$$

$$\xrightarrow{x=۱۶} y = ۳(۱۶) - ۳۹ = ۴۸ - ۳۹ = ۹$$

$$\text{خطا} = |\text{مقدار تخمین زده شده} - \text{مقدار واقعی}| = |۷ - ۹| = |-۲| = ۲$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. $x = ۴$ بین دو نقطه‌ی $\begin{bmatrix} ۵ \\ ۶ \end{bmatrix}$ و $\begin{bmatrix} ۳ \\ ۲a - ۲ \end{bmatrix}$ است. پس شیب خط گذرا از این دو نقطه با

شیب خط $y = ۲x + b$ برابر است.

$$m = ۲ \Rightarrow \frac{۲a - ۲ - ۶}{۳ - ۵} = ۲ \Rightarrow ۲a - ۸ = -۴ \Rightarrow ۲a = ۴ \Rightarrow a = ۲ \xrightarrow{y=۲x+b}$$

$$۶ = ۲ \times ۵ + b \Rightarrow b = -۴ \Rightarrow a + b = ۲ - ۴ = -۲$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر روزهای هفته در جدول را از راست به چپ به ترتیب با اعداد ۱، ۲، ۳ و ... نمایش دهیم،

داریم:

روزهای هفته	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تعداد بستنی	۱۵	۱۳	۱۸	۳۵	۱۲	۱۲	۲۸	۲۷	k

$$\text{میانگین روزها} = \frac{۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ + ۸}{۸} = ۴/۵$$

$$\text{میانگین تعداد بستنیها} = \frac{۱۵ + ۱۳ + ۱۸ + ۳۵ + ۱۲ + ۱۲ + ۲۸ + ۲۷}{۸} = ۲۰$$

حال معادله‌ی خط گذشته از دو نقطه‌ی $A(۴/۵, ۲۰)$ و $B(۸, ۲۷)$ را می‌نویسیم و برای به دست آوردن k ، مقدار x را برابر ۹ قرار می‌دهیم:

$$m = \frac{۲۷ - ۲۰}{۸ - ۴/۵} = \frac{۷}{۳/۵} = ۲$$

$$y - ۲۷ = ۲(x - ۸) \xrightarrow{x=9} y = ۲(۹ - ۸) + ۲۷ = ۲ + ۲۷ = ۲۹ \Rightarrow k = ۲۹$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. چون $t = ۹$ زمان میانگین بین $t = ۸$ و $t = ۱۰$ است. پس برای درونیابی خطی مقدار y

$$\frac{۲۰ + ۲۶}{۲} = ۲۳ \quad \text{کافی است میانگین } y \text{ های } t = ۸ \text{ و } t = ۱۰ \text{ را به دست آوریم:}$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱) سخن گفتن اشک و چهره: استعاره‌ی مکنیه

۲) «گلبن»، «گل» و «خار» به ترتیب استعاره از معشوق، وصال و سختی‌های راه عشق

۳) «آهن سرد» استعاره از وجود نفوذناپذیر

۴) «کمند» استعاره از گیسوی یار

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «ناوک چشم» اضافه‌ی تشبیهی است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: ستاره: مجاز از اشک

گزینه‌ی «۳»: کشته: مجاز از اعمال و کارها

گزینه‌ی «۴»: مه (در مصراع اول): مجاز از دلبر

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

بیت «الف»: جناس همسان: «قدم» مصراع اول: پا، «قدم» مصراع دوم: قد من/ جناس همسان: «در» مصراع اول: اندر، «در»

مصراع دوم: دربار/ فاقد واژه‌آرایی

بیت «ب»: فاقد استعاره (توجه داشته باشید که «چشم ارادت» اضافه‌ی اقترانی است و «لاله» و «سنبل» نیز در معانی

حقیقی خود به‌کار رفته‌اند و در اصل، شاعر «رو» و «مو» را به‌صورت مضمر و تفضیلی به «لاله» و «سنبل» تشبیه کرده

است.) جناس ناهمسان: «روی» و «موی»

تشریح سایر ابیات:

بیت «ج»: کنایه: «بر دل غبار داشتن» کنایه از مک‌دربودن/ تشبیه: «سیلاب نیستی»: اضافه‌ی تشبیهی

بیت «د»: مجاز: «دل» مجاز از درون و داخل/ تقابل سجع‌های متوازی و متوازن، پدیدآورنده‌ی آرایه‌ی موازنه است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بیت دارای ترصیع است. (فاقد موازنه) / فاقد استعاره

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «بیت، دارای موازنه است. / «عجز فلک» و «عقد جهان»: اضافی استعاری

گزینه ۲: «دارای موازنه و استعاره‌ی مصرحه (سنبل) است.

گزینه ۴: «بیت دارای موازنه است. / «شیفته‌شدن عقل»: استعاره‌ی مکنیه

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. وزن مشترک بیت سؤال و گزینه ۲: مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن

وزن سایر گزینه‌ها:

(۱) مفتعلن مفاعلن // مفتعلن مفاعلن (۳) مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (۴) مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اضافی استعاری: ریشه‌ی عمر

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در بیت گزینه‌ی ۱ استعاره وجود ندارد. «نواله‌ی هجر» و «خوان وصل» تشبیه فشرده‌ی اضافی

هستند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: خون ریختن مژگان: تشخیص و استعاره / چون آب و چون خاک: تشبیه

گزینه ۳: لعل: استعاره از لب / چو آفتاب: تشبیه

گزینه ۴: شرم کردن آتش: تشخیص و استعاره / چون گل: تشبیه

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «کشتی» در مصراع دوم استعاره از «جسم انسان» است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «پسته» و «شکر» به‌ترتیب استعاره از «دهان» و «سخن نغز» هستند و بیت دارای تشخیص

نمی‌باشند. تشریح در سایر ابیات:

گزینه ۱: «مخاطب قرار دادن باد صبا» استعاره و تشخیص است.

گزینه ۲: «دیدن چرخ و سخن گفتن آن» استعاره و تشخیص است.

گزینه ۴: «دیوانگی بلبل» استعاره و تشخیص است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. استعاره در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «سروناز حسن» استعاره از معشوق

گزینه ۳: «پروانه» استعاره و تشخیص

گزینه ۴: «دل» استعاره و تشخیص

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

الف) استعاره مصرحه: چرخ مینا استعاره از دنیا / استعاره مکنیه: چرخ مینا شیشه‌ی عمر تو را می‌شکند. (تشخیص)

ب) استعاره مصرحه: لعل (استعاره از لب) / استعاره مکنیه: کف بخشنده داور (تشخیص)

ج) استعاره مصرحه: تنگ شکر (استعاره از دهان) / استعاره مکنیه: -

د) استعاره مصرحه: آن ماه (استعاره از یار) / استعاره مکنیه: سجده کردن آفتاب (تشخیص)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۱) اشتباه به دلیل این است که در مصراع اول، حله در معنای حقیقی خودش (جامه‌ی حریر) به کار رفته است و در مصرع

دوم در معنای غیرحقیقی (شعر) به کار رفته است. گزینه‌های (۳) و (۴) هم اشتباه هستند، چون در هر مصراع حله در

معنای حقیقی و غیرحقیقی به کار برده شده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

(الف) سرو، فدای قَد تو شود.

(ج) بر تخت نشستن خورشید.

تشریح سایر ابیات:

(ب) ماه ← استعاره آشکار از معشوق

(پ) کُهِ بیستون ← استعاره آشکار از رستم

(ث) استعاره پنهان در این بیت دیده نمی‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این بیت تنها واژه «سر» مجاز دارد که علاقه‌اش شباهت نیست و استعاره ندارد.

(۱) سرو روان استعاره از معشوق

(۲) آتش استعاره از بانگ نای

(۳) نرگس استعاره از چشم

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

(۱) در خط اول استعاره مکنیه صحیح است.

(۲) باعث پیدایش تشخیص می‌شود نه تشبیه

(۳) به آن اضافه‌ی استعاری می‌گویند

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. رخ اندیشه، اضافه استعاری است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

استعاره پنهان یا مکنیه گاه می‌تواند تشخیص نباشد و آن در صورتی است که مشبه‌به انسان نباشد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در استعاره مصرحه مشبه محذوف است، اما در استعاره مکنیه مشبه‌به حذف می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. استعاره مطلقاً به معنای مجاز نیست و برخی مجازها استعاره نیستند. بلکه فقط برخی مجازها استعاره هستند و رابطه این دو تساوی نیست، بلکه هر یک دارای مصادیقی است که به خود آن اختصاص دارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «چرخ» استعاره آشکار از «فلک و آسمان» است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: زلفت سنبل است: تشبیه زلف به سنبل

گزینه ۲: رخسار داشتن گل: تشخیص

گزینه ۴: آب آتش‌رنگ: استعاره از شراب

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه «لعل» استعاره از لب یار است و نوع استعاره، استعاره آشکار (مصرحه) است.

در سایر گزینه‌ها استعاره از نوع تشخیص است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: گریستن چشم روزگار، استعاره از نوع تشخیص است.

گزینه ۲: چشمک محزون ثریا، استعاره از نوع تشخیص است.

گزینه ۳: ناز کردن خار بر مجنون، استعاره از نوع تشخیص است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در بیت این گزینه «خوان آفتاب» اضافه تشبیهی است.

اضافه استعاری در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۴: چنگال مرگ

گزینه ۲: سر خورشید

گزینه ۱: دیده انجم

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در بیت این گزینه، چهار بار مجاز به علاقه شباهت به کار رفته است؛ ۱- بادام، مجاز از چشم / ۲- گلبرگ: مجاز از چهره یا گونه / ۳- آب: مجاز از اشک / ۴- فندق: مجاز از ناخن
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: سبز طارم: مجاز از آسمان

گزینه ۳: ماه: مجاز از یار زیبارو

گزینه ۴: در بیت این گزینه، دو بار مجاز به علاقه شباهت به کار رفته است؛ ۱) نرگس: مجاز از چشم (۲) مروارید: مجاز از اشک

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در بیت گزینه ۳ واژه «بازار» مجاز از دنیا است و مجاز به علاقه شباهت محسوب می‌شود، چون دنیا به بازار مانند شده است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: واژه «فردا» مجاز از روز قیامت است.

گزینه ۴: واژه «دم» مجاز از لحظه است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) جان‌بخشی به حُسن و ابر

۲) مورد خطاب قرار گرفتن ردا و این‌که ردا از دوش شاعر دست بردارد.

۳) حیران بودن عشق و نسبت دادن دانستن و ندانستن آن

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشبیه: —

استعاره با ذکر مشبّه‌به: ماه استعاره از معشوق

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه: نگارخانه‌ی چین به اشک

استعاره با ذکر مشبّه‌به: نگار استعاره از معشوق

۲) تشبیه: معشوق (غزال) به ترانه‌ی غزل شهریار

استعاره با ذکر مشبّه‌به: غزال استعاره از معشوق

۳) تشبیه: تو به غنچه / من به عندلیب

استعاره با ذکر مشبّه‌به: گلبن استعاره از معشوق

گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اضافه استعاره در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: پیشانی عفو گزینه ۲: پیشگاه حقیقت گزینه ۴: کنگره وصل

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند تا درباره‌ی حقایق که پیامبران از طریق وحی درباره‌ی جامعه‌ی بشری بیان کرده‌اند یا عالمان با استدلال‌های عقلی به آن رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند. آن‌ها گاهی و علوم دیگر جوامع را غیرعلمی می‌خواندند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بوده و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد. در دوران رنسانس این روش معرفتی، مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، به سوی نوعی روشنگری پیش رفت که جایگاه وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده می‌انگاشت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده می‌کرد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: «۱»: چالش‌های جهانی، به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند و اغلب پایان نمی‌یابند.
گزینه ۲: «۲»: در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند.
گزینه ۳: «۳»: همگی از درون فرهنگ غرب برمی‌خیزند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی تنها راه شناخت علمی دانسته می‌شد. در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند که درباره‌ی حقایقی که پیامبران از طریق وحی درباره‌ی جامعه‌ی بشری به پا کرده‌اند یا عالمان با استدلال‌های عقلی به آن‌ها رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

- برخی اندیشمندان بحران‌های محیط‌زیست را ناشی از رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت می‌دانند.
- جهانی که توان معرفتی لازم برای دفاع از ابعاد گسترده‌ی اقتصادی و سیاسی خود را نداشته باشد، به حیوان فرتوتی می‌ماند که با وجود جثه‌ی عظیم خود زمین‌گیر و آسیب‌پذیر شده است.
- بحران اقتصادی اگر کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. جامعه‌شناسان قرن نوزدهم روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند و معتقد بودند آگاهی‌ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است بدین ترتیب، غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه‌ی دیگر فرهنگ‌ها است.
- در نیمه‌ی دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت و آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.
- طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی متفکران از این موج که نشانه‌ی بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عناوین «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شناخت عقلی جدید در جهان غرب نیز بیش از دو سده دوام نیاورد. به همین دلیل در قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی را تنها راه شناخت علمی می‌دانستند.
غرب متجدد، زمانی با جهان اسلام روبه‌رو شد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با وجود رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آن‌ها تعامل می‌کردند.
فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی، نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید بلکه با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. حرکت‌های اجتماعی روشنفکران چپ، در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی بود. برخی از آنان، آشکارا با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند، حتی گاهی اندیشه‌های خود را در پوشش دینی بیان می‌داشتند. به این ترتیب، روشنفکری التقاطی چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد. منورالفکران غربگرا، برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشت به اسلام نمی‌دانستند، بلکه بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند. آنان در ایران، اومانیسم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه کردند. دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کرده‌اند، پسامدرن می‌خوانند، زیرا از اصول جهان مدرن عبور کرده و به فراسوی آن رسیده‌اند. بیدارگران نخستین، با وجود رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، از فرهنگ غرب شناخت عمیقی نداشتند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی متفکران از این موج که نشانه‌ی بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عناوین «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند. سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری در مجموع، عمیق‌ترین لایه‌ی فرهنگ معاصر غرب و روح و شالوده‌ی آن را تشکیل می‌دهند. تمامی چالش‌های جهانی، از این لایه‌ی هویتی برمی‌خیزند ولی بحران‌های معرفتی و معنوی به این لایه تعلق دارند. ناسیونالیسم، اندیشه‌ی سیاسی قوم‌گرایانه‌ی غرب متجدد بود. یکی از ویژگی‌های اساسی اندیشه‌ی درست این است که اجزای آن دارای انسجام‌اند. از این‌رو به دیدگاهی که در آن تضاد و تناقض وجود دارد، به دیده‌ی شک و تردید نگریسته می‌شود. اندیشه‌ی التقاطی در همین ویژگی دچار نقص است. چرا که معمولاً آمیزه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که از مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف گردآوری می‌شوند و به صورتی ناسازگار در کنار هم چیده می‌شوند. برخی جریان‌ها، عقاید اسلامی را با سوسیالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ... بدون توجه به مبانی آن‌ها و به صورتی ناسازگار درهم ادغام می‌کنند. (روشنفکری التقاطی)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بیدارگران نخستین، با وجود رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، از فرهنگ غرب شناخت عمیقی نداشتند.

از پیامدهای گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی:

مهاجران ساکن کشورهای غربی را که اغلب مرعوب فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در فرهنگ معنوی و دینی، آبادی دنیا هدف مستقلى نیست بلکه خود وسیله‌ای است که در خدمت اهداف معنوی قرار می‌گیرد. اگر افرادی که درون فرهنگ دینی زندگی می‌کنند، دنیا را هدف برتر خود قرار داده باشند، از آشکار کردن آن پرهیز می‌کنند و رفتار دنیوی خود را توجیه دینی می‌کنند اما در جهان غرب، سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالب درآمده است، به گونه‌ای که دینداران، ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این‌جهانی می‌کنند.

اقتصاد قرون وسطی بر مبنای کشاورزی و روابط اجتماعی ارباب - رعیتی بود. نظام ارباب - رعیتی در غرب که از آن با عنوان فئودالیسم یاد می‌شود، نوعی برده‌داری بود، زیرا کشاورزان، وابسته به زمین‌ها اربابان خود بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند.

روشنگری در سده‌های نوزدهم و بیستم، بیشتر شکل حس‌گرایانه پیدا کرد. وقتی روشنگری به شناخت حسی و تجربی محدود شود، نوعی علم تجربی سکولار پدید می‌آورد. این علم، توان داوری درباره‌ی ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی را ندارد (زیرا این پدیده‌ها حسی نیستند) و صرفاً به صورت دانش ابزاری، در خدمت اهداف دنیوی انسان قرار می‌گیرد.

ب) با رشد تجارت، کشف آمریکا و بالا گرفتن تب طلا، زمینه‌های عبور از اقتصاد کشاورزی ارباب - رعیتی فراهم آمد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بسنده کردن به شناخت از راه عقل و تجربه، مربوط به رویکرد معرفتی - علمی فرهنگ غرب در عصر روشنگری (عقل‌گرایانه و حس‌گرایانه) است.

نکته: توجه داشته باشید که هرگاه از روش‌های شناخت (حسی، عقلی، شهودی) یا ابزار شناخت نام برده می‌شود، منظور همان رویکرد معرفتی یا بُعد معرفت‌شناسانه‌ی فرهنگ است.

آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی، تمامی جامعه (مجموعه‌ی نظام اجتماعی) را دربر می‌گیرد. برخی اندیشمندان، بحران‌های محیط زیست را ناشی از رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت می‌دانند. انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی، تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد. (رویکرد معرفتی فرهنگ غرب) از این‌رو گسترش سریع صنعت و فناوری مدرن، با وجود این‌که توانمندی و آسایش بیش‌تری برای بشر فراهم آورده، زیان‌های جبران‌ناپذیری به او و طبیعت وارد کرده است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

- تغییر در هنجارها و نمادها (لایه‌های سطحی) موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود.

- بحران زیست محیطی، منجر به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شد.

- در نیمه‌ی دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت و آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

روشنگری مدرن از قرن نوزدهم مبتنی بر حس و تجربه بود و براساس آن، شناخت غیرتجربی، علمی دانسته نمی‌شد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. انگیزه‌های افراد از نظر جهت و شدت با هم متفاوت است.

نکته: انگیزه هر دو نفر بیرونی است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هر نگرش دارای عناصر شناختی، احساسی و آمادگی برای عمل است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ادراک کنترل و کارایی باید سازنده باشد، یعنی با شواهد محیطی هماهنگی لازم را داشته

باشد، زیرا در صورت ناهماهنگی، نوعی ادراک کنترل و کارایی کاذب ایجاد می‌شود که مانع بروز رفتار است.

ادراک کنترل و کارایی حتی اگر کاذب هم باشد، باز هم نگرش محسوب می‌شود. تفاوتش این است که تأثیرش بر رفتار به صورت جلوگیری از بروز رفتار جلوه می‌کند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. انتخاب هدف، علاوه بر ایجاد توانمندی، باعث انسجام در رفتار می‌شود. هدف معین، فرد را از

بیراهه رفتن اتلاف منابع انرژی خود مصون می‌دارد. حرکت در مسیر دستیابی به هدف، نوعی موفقیت تلقی می‌شود، در

نتیجه، فرد تحت تأثیر موانع زودگذر و عواملی همچون خستگی قرار نمی‌گیرد. انتخاب هدف، امید به موفقیت را به

همراه می‌آورد. نکته قابل توجه در انتخاب اهداف این است که برای رسیدن به اهداف بالاتر باید آن را به اهداف

کوچک‌تر و قابل وصول تقسیم کنیم، به گونه‌ای که قدم به قدم و آرام آرام به اهداف مورد نظر برسیم. اگر از ابتدا

اهداف را بالا و دست نیافتنی انتخاب کنیم، هرگز نمی‌توانیم به آنها دست یابیم و از تلاش باز می‌مانیم.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هدف معین، فرد را از بیراهه رفتن و اتلاف منابع انرژی خود مصون می‌دارد. اگر اهدافمان را خیلی دقیق و واضح بیان نکنیم، ممکن است از مسیر دستیابی به هدفمان منحرف شویم و به بیراهه برویم.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. وقتی شخص دارای دو شناخت هم‌زمان و متناقض باشد، که با یکدیگر در تضاد هستند، می‌گویند او دارای ناهماهنگی شناختی است.

هنگام بروز ناهماهنگی، فرد می‌تواند چند کار را انجام دهد:

۱- رفتار خود را تغییر دهد.

۲- رفتارها و یا شناخت خود را توجیه کند.

۳- نگرش خود را تغییر دهد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هر سه گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۳) اشاره به انگیزه‌ی بیرونی دارند، زیرا منبع لذت در بیرون فرد قرار دارد، اما گزینه‌ی (۴) اشاره به انگیزه‌ی درونی دارد، زیرا با نیازهای فطری فرد مطابقت دارد و منبع آن درونی است و لذت در خود تکلیف است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. زمانی که فرد بین کار خود و پیامدهای آن رابطه‌ای نبیند به درماندگی آموخته‌شده مبتلا می‌شود، یعنی به این باور می‌رسد که تلاش او بی‌فایده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. موتور حرکتی انسان، انگیزه است و آنچه که رفتار او را کنترل می‌کند، انگیزه و نگرش است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اگر بین کار خود و پیامدهای آن رابطه‌ای نبینیم، دست از کار می‌کشیم، یعنی یاد می‌گیریم که نتایج به دست آمده ارتباطی با کار ما ندارند و مستقل از عمل ما هستند. در این حالت به درماندگی آموخته‌شده می‌رسیم.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ادراک کنترل و کارایی باید سازنده باشد، یعنی با شواهد محیطی هماهنگی لازم را داشته باشد، زیرا در صورت ناهماهنگی، نوعی ادراک کنترل و کارایی کاذب ایجاد می‌شود که مانع بروز رفتار است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. نظام باورهای هر فرد و جامعه، موتور محرکه‌ی قوی جهت دستیابی به هدفهای فردی و جمعی است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هرگاه فرد مجبور شود، بین دو انتخاب مطلوب، یکی را برگزیند، دچار «ناهماهنگی بعد از تصمیم» می‌شود و بعد از انتخاب موردنظر، در مورد آنکه انتخاب کرده مزایا و در مورد آنکه رد کرده است معایب را می‌شمارد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بسیاری از ناتوانی‌های ما به دلیل یادگیری است نه این‌که واقعاً نمی‌توانیم، یعنی باور می‌کنیم که ناتوانیم. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در درماندگی، فرد درس می‌خواند، ولی نمره‌ی خوب نمی‌گیرد.

(۲) فیلی که به درماندگی مبتلا می‌شود، توانایی پاره کردن طناب را دارد، اما پذیرفته که ناتوان است.

(۳) افراد مبتلا به درماندگی، احساس می‌کنند که کنترل اوضاع از دستشان خارج شده است و تلاششان نتیجه نمی‌دهد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در انگیزش درونی، فرد کار یا فعالیت را به خاطر خود آن چیز انجام می‌دهد؛ زیرا به آن کار علاقه دارد، برای جالب است و با نیازهای فطری او مطابقت دارد. در انگیزش درونی منبع لذت در خود تکلیف است در حالی که در انگیزش بیرونی، منبع انگیزش در پاداش و لذت خارج از فرد قرار دارد؛ بنابراین علاقه‌ی زیاد به نظم و انضباط بیانگر نوعی علاقه‌ی درونی فرد به منظم بودن است که یعنی فرد انگیزه‌ی درونی دارد.

رد گزینه‌ی ۲: جریمه یک عامل بیرونی بازدارنده است.

رد گزینه‌ی ۳: نمره‌ی خود یک عامل بیرونی تشویق‌کننده است.

رد گزینه‌ی ۴: تشویق دیگران یک عامل بیرونی تشویق‌کننده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱) ممکن نیست (لایستطیع: نمی‌تواند) - در (اضافی است) - پنهان شود («يُضْمِر» متعدی است نه لازم: پنهان کند).

۳) جز آن چیزهایی که (لأَنَّهُ: زیرا آن) - نمایان شود (دلیلی برای التزامی ترجمه کردن «يُظْهِر» وجود ندارد).

۴) امکان ندارد که ... بتواند (لایستطیع: نمی‌تواند) - آشکار می‌کند («يُظْهِر» لازم است نه متعدی).

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «شَاتِم»: (اسم فاعل است و به صورت صفت فاعلی ترجمه می‌شود) دشنامگو، ناسزاگو (رد

گزینه‌ی «۲»)/ «لَمْ يُسْخَطْ»: (باید به صورت ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه شود) عصبانی نکرد، عصبانی نکرده

است (رد گزینه‌های «۲» و «۳»)

رد گزینه‌ی «۴»، «مثل» نادرست است و اجزای جمله نیز در ترجمه جابجا شده‌اند («سکوت بیشتر» نادرست است).

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

با توجه به قید زمان آینده «غداً: فردا» فعل «لَمْ نَذْهَبْ» (نرفتیم، نرفته‌ایم) چون معنایش بر ماضی منفی دلالت دارد،

نادرست است و باید فعل «لَنْ نَذْهَبْ» (نخواهیم رفت) که مضارع منصوب است و بر مستقبل و آینده منفی دلالت دارد

به کار برده می‌شد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

۱) از بازیکنی ایرانی استقبال کردیم که در مسابقات جهانی برنده شده بود. «فاز» فعل ماضی است که بعد از فعل ماضی

«استقبلنا» آمده و به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود.

۲) به دنبال کتابی می‌گردم که مرا در نوشتن مقاله‌ام کمک کند (کمک می‌کند)

«يُساعد» فعل مضارعی است که بعد از فعل مضارع «أَفْتَتُّشُ» آمده، پس می‌توان آن را به صورت مضارع التزامی و یا

مضارع اخباری ترجمه کرد.

۳) دانش آموز وارد کتابخانه شد تا به دنبال معجم دهخدا بگردد.

بعد از «حَتَّى» که از حروف ناصبه است، فعل به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۴) بادهای شدیدی وزید و خانه‌های بسیاری را خراب کرد.

در این گزینه نمی‌توان «خَرَبَتْ» را به صورت ماضی بعید ترجمه کرد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه، صفت وجود ندارد و «قَلِيلٌ» نقش فاعل را دارد!

در گزینه ۱، دو نوع صفت وجود دارد. «الطَّبَّيَّةُ» صفت از نوع اسم است و «تُسْتَعْمَلُ...» صفت از نوع جمله است. در

گزینه‌ی ۲، «مکان» اسم نکره و «يُفَحَّصُ...» صفت آن از نوع جمله است! در گزینه‌ی ۴، «مُذْنِبٌ» اسم نکره و «يُصْلَحُ...»

صفت آن از نوع جمله است!

- ۱) هیچ کسی آدم دروغگو را باور نمی‌کند حتی راست بگوید. (طبق متن کاملاً درست است.)
- ۲) برای بار دوم، هنگامی که اهالی روستا صدای چوپان را شنیدند، به او توجه نکردند. (برای بار سوم بود که به چوپان توجه نکردند.)
- ۳) برای بار سوم، اهالی روستا اعتقاد داشتند که چوپان به آنها دروغ می‌گوید. (طبق متن کاملاً درست است، مردم برای بار سوم دیگر به چوپان توجه نکردند.)
- ۴) چوپان دروغ می‌گفت تا اوقاتش را بگذراند. (بله طبق متن چوپان خسته شده بود و می‌خواست اوقاتش را بگذراند، برای همین دروغ می‌گفت.)

ترجمه متن:

چوپانی وجود داشت که به نگهداری گوسفند در خارج روستا می‌پرداخت. در روزی از روزها از کارش خسته شد پس فکر کرد که چه کاری انجام بدهد تا وقت را بگذراند؟ اهالی روستا را صدا زد و به آنها با بلندترین صدا گفت: «گرگ، گرگ، کمک، کمک، نجاتم دهید». پس اهالی روستا به سوی رفتند ولی هیچ گرگی آنجا ندیدند و چوپان به آنها خندید. بعد از روزهای کمی، چوپان کارش را تکرار کرد. هنگامی که اهل روستا صدایش را برای دوم شنیدند، به سوی او شتافتند پس گرگی را نیافتند. و در روزی از روزها گرگ واقعی ظاهر شد و چوپان شروع کرد به کمک خواستن از اهالی روستا، اما مردم به او توجه نکردند و اعتقاد داشتند که او به آنها مثل گذشته دروغ می‌گوید. و گرگ بسیاری از گوسفندان چوپان را خورد.

- ۱) گوسفند و گرگ
- ۲) چوپان و اهالی روستا
- ۳) چوپان خسته
- ۴) چوپان دروغگو (مناسب‌ترین عنوان برای متن است.)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. خطاهای این گزینه: فعل ماضی: «أَتَقَذُونِي» فعل امر از باب افعال است، چرا که عین الفعل آن کسره «ـِ» دارد نه فتحه «ـَ». / للغائبين: للمخاطبين است.

- ۱) «كُنْتُ اشْتَرَيْتُ» ماضی بعید است در حالی که «خَرِیدِم» ماضی ساده است.
- ۲) «هَذَا يَوْمٌ» یعنی «این روزی است که ...» - «آن را» در تعریب لحاظ نشده است.
- ۳) «الْكِتَابُ» اشتباه است، زیرا «کتابی» نکره است - «أَسْبُوعٌ» یعنی «یک هفته» و غلط است.

- ۲) نزدیک است، شروع می‌کند («كاد و أَخَذَ» هر دو ماضی هستند.) [نزدیک بود که جوان غرق شود، پس شروع کرد]
- ۳) بازی می‌کند («يَلْعَبُ» فعل مضارعی است که بعد از فعل ماضی «رَأَيْتُ» آمده، پس باید به شکل ماضی استمراری ترجمه شود: بازی می‌کرد.)
- ۴) ساختار جمله در ترجمه کاملاً عوض شده است. ترجمه صحیح: فیروزآبادی واژه‌نامه مشهوری دارد به نام «القاموس».
- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «کبری» صفت «بیت» است بنابراین باید مفرد مذکر باشد نه مؤنث! در نتیجه «أكبر» صحیح است!

«يُقَدَّرُ» نباید به صورت مجهول بیاید، زیرا کلمه‌ی «أنواع» مفعول آن است که فاعل جمله که «العلماء» است نیز حذف نشده است (صحیح: يُقَدَّرُ) / «المُلايين» جمع مکسر است و باید مجرور شود (دَقَّتْ کنید «ین» علامت جمع مذكر سالم نیست ← صحیح: الملايين).

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. لم يَعْلَمُوا: ندانستند، ندانسته‌اند (حذف ۲ و ۴) / «است که» و «فقط» در گزینه‌های ۲ و ۴ بدون معادل عربی است / يَبْسُطُ: گسترش می‌دهد، می‌گستراند (حذف ۳) / لِمَنْ يَشَاءُ: برای کسی که (هر کس) بخواهد (حذف ۲)

معادل دقیق مصراع به کار رفته در گزینه‌ی «۳»: «آزموده را آزمودن خطاست!»
تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: مفهوم: هر انسانی، با یادگرفتن یک زبان جدید، توانایی و شخصیت جدیدی به خود اضافه می‌کند!

گزینه‌ی «۲»: مفهوم: قبل از سخن گفتن، باید حتماً فکر کرد!

گزینه‌ی «۴»: مفهوم: هر اندیشه و احساسی به نوعی در ظاهر و کلام شخص پدیدار می‌شود!

«لِمَ»: معادل «لماذا» و کلمه پرسشی است / «لا تَبْخَثَنَّ» مضارع منفی است که به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود (جست‌وجو نمی‌کنید/ تحقیق نمی‌کنید) [چرا درباره علّت به وجود آمدن بیماری‌ها در فصل زمستان تحقیق نمی‌کنید؟]

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «يَتَوَكَّلُ» فعل شرط مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (تَوَكَّلْ کند)

گزینه «۲»: «لَا يُسَافِرُوا» فعل نهی جمع مذكر غائب است که مضارع التزامی ترجمه می‌شود، نباید مسافرت کنند (مسافرت نکنند)

گزینه «۳»: «لَأُطَالَعَ» مضارع منصوب با حرف ناصبه «لِ» مضارع التزامی ترجمه می‌شود، تا مطالعه کنم.

در این عبارت، دو صفت داریم: یکی «مُظْلَمٌ» که صفت از نوع مفرد است و دیگری جمله «يَنْزِلُ» که جمله وصفیه (صفت از نوع جمله) است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: صفت از نوع جمله است (يُسَاعِدُنِي ...)

گزینه ۲: «الْحَسَن» صفت از نوع مفرد است.

گزینه ۳: «يَفْرَحُ» صفت از نوع جمله است.

«لَا يَتَنَبَّرُ» فعل مضارع منفی است (لقب زشت نمی‌دهد).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ل + فعل مضارع ← باید بداند.

گزینه «۳»: ل + فعل مضارع ← باید کمک کنند.

گزینه «۴»: لا + فعل مضارع مجزوم ← نباید بگیرند.

«لَمْ أَذْهَبْ» معادل ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود = نرفتم، نرفته‌ام / «لَنْ أَذْهَبَ»: معادل مستقبل منفی است و با صرف «نخواهد» ترجمه می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: لِيُحَاوِلُوا - به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (باید تلاش کنند)

لَا يَتَكَاثَلُوا = به صورت مضارع التزامی منفی ترجمه می‌شود (نباید تنبلی کنند)

گزینه «۳»: يُسَجَّلُ = فعل شرط (مضارع التزامی ترجمه می‌شود: ثبت کند) / يَصِلُ جواب شرط (مضارع اخباری ترجمه می‌شود، می‌رسد).

گزینه «۴»: أُرِيدُ = مضارع اخباری ترجمه می‌شود (می‌خواهم) / أَنْ أَجْتَهِدَ = مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (تلاش کنم) / لِأَحْصَلَ = مضارع التزامی ترجمه می‌شود (تا به دست آورم).

کلمه «ذَوْسَعَةٍ» توانمند $\neq$ الفقير: ندار» با هم متضاد هستند و کلمه «الغنى» به معنای «توانگر» مترادف می‌باشد.

ترجمه: «و برای او (خداوند) کسی شریک نیست (همتایی برای او نیست)» که با مفهوم بیت صورت سؤال هماهنگ است. ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اندوهگین مباش، زیرا خداوند با ماست.

گزینه «۳»: تو را فقط لطف و رحمتی برای جهانیان فرستادیم.

گزینه «۴»: انسان عاقل برای چیزی جز رضایت خداوند تلاش نمی‌کند.

عبارات «ظهور مکتب‌های نقاشی و نگارگری جدید و خلق آثار هنری فاخر» و «نوآوری در به تصویر کشیدن زندگی روزمره‌ی عموم مردم و فعالیت اصناف و پیشه‌وران» به هنر نگارگری در عصر عباسی اشاره دارد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. هجوم ویرانگر مغول به ایران و نگرانی و ناامیدی مردم، نقش مؤثری در روی آوردن مردم به

تصوف و رفتن به درون خانقاه‌ها شد. کثرت پیروان و مریدان طریقت‌های صوفیانه، موجب افزایش نفوذ و موقعیت

اجتماعی رهبران و مشایخ آن طریقت‌ها شد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فنون و شیوه‌های معماری در عصر ایلخانان و تیموریان، با توسعه‌ی دانش و خلاقیت

معماران زبردست ایرانی، پیشرفت چشمگیری کرد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در دوره‌ی ایلخانان، مصور ساختن کتاب‌های تاریخی، متون ادبی و کتاب‌های پزشکی،

جانورشناسی و نجوم رایج بود. در دوره‌ی تیموری مصور کردن کتاب‌های نجوم، شاهنامه و دیوان‌های شعر به لحاظ کمی و

کیفی افزایش یافت.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اقوام مغول در مسائل دینی چندان تعصبی نداشتند و با پیروان دین‌های دیگر با ملایمت برخورد می‌کردند. مدارای دینی مغولان از روی آگاهی نبود و بیشتر متأثر از شرایط زندگی آن‌ها بود. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: از آغاز پیرون آیین شمنی بودند.

گزینه‌ی «۳»: مغولان دارای تسامح و تساهل دینی بودند.

گزینه‌ی «۴»: پیروان این آیین مظاهر طبیعی را می‌پرسیدند و دارای خدایپرستی ناقصی بودند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در دوران پس از هجوم مغول به ایران، پیروان مذاهب و فرق اسلامی، به خصوص اهل تسنن، شیعیان و صوفیان، اختلاف و رقابت گذشته‌ی خود را کنار گذاشتند و متحد و یکدل برای مسلمان شدن مغول‌ها تلاش کردند.

یکی از تحولات مهم دوران ایلخانان و تیموریان، رشد قابل توجه تصوف و طریقت‌های صوفیانه بود. هجوم ویرانگر و وحشت‌انگیز مغول به ایران و نگرانی و ناامیدی که در جامعه ایجاد کرد، نقش مؤثری در روی آوردن مردم به تصوف و رفتن به درون خانقاه‌ها داشت.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. یکی از طریقت‌های صوفیانه که در دوره‌ی ایلخانان شکل گرفت، طریقت صفوی بود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تسامح و تساهل دینی مغولان باعث شد که پیروان دین‌های گوناگون در میان آنان به تبلیغ دین خود بپردازند.

در دوره‌ی ایلخانان به ویژه به دنبال کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین توسی، تشیع در ایران گسترش یافت.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. امیرعلیشیر نوایی، شاعر و وزیر سلطان حسین میرزا بایقرا، پشتیبان و مشوق جدی هنر و هنرمندان بود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در قرن نهم هجری به تدریج تغییر و تحول چشمگیری در فعالیت طریقت‌های صوفی به وجود آمد. از یک سو صوفیان به تشیع گرایش بیشتری نشان دادند و از طرف دیگر به تدریج برخی از طریقت‌ها مانند طریقت صفوی وارد سیاست شدند و برای به دست گرفتن قدرت با فرمانروایان و پادشاهان به رقابت برخاستند. توجه: صفویه در قرن نهم حکومت تشکیل نداد!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شاهنامه‌ی بایسنقری به دستور شاهزاده بایسنقر، پسر شاهرخ (شاهرخ فرزند تیمور بود، پس بایسنقر نوه‌ی تیمور بوده است) که سیاستمداری هنرمند و هنرپرور بود، خوشنویسی و مصور شد. نکته: شاهنامه‌ی بایسنقری، «فاخرترین نمونه‌ی شاهنامه‌ی مصورشده در عصر تیموری» است نه «فاخرترین نمونه‌ی شعر فارسی در عصر تیموری»، زیرا شعر جدیدی سروده نشد، بلکه همان شاهنامه‌ی فردوسی، خوشنویسی و مصور شد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ایلخانان مغول از مشوقان پدید آوردن شاهنامه‌های مصور به شمار می‌روند. نمونه‌ی باقی‌مانده‌ی آن، شاهنامه‌ی مشهور به دموت است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سبک زندگی غربی و از جمله گرایش به فست فود به دلیل پدیده‌ی انتشار یا پخش در سایر کشورها از جمله کشور عربستان رواج یافته است. ورزش «هاکی» که مبدأ آن کشور کاناداست، به دلیل پدیده‌ی انتشار یا پخش در میان مردم ایالات متحده‌ی آمریکا بسیار رایج شده است.

ایالات متحدهی آمریکا، حدود ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند. کشت برنج نیازمند شرایط خاصی است که عبارتند از: آب و هوای گرمسیری یا نیمه گرمسیری، رطوبت هوا و آب زیاد. معمولاً از بقایای برداشت غلات برای خوراک دام استفاده می‌شود.

فعالیت‌هایی مانند کشاورزی، زراعت، دامپروری، صید ماهی، جنگلداری و استخراج معدن، فعالیت نوع اول هستند. در گزینه‌های داده شده پرورش زنبورعسل و کندوداری، برداشت سنگ آهن از معدن و حفاظت از محیط زیست و جنگل‌بانی از جمله فعالیت‌های نوع اول می‌باشند. فعالیت‌هایی که طی آنها منابع و مواد اولیه در کارخانه‌ها تغییر شکل می‌یابند و به کالا تبدیل می‌شوند. در گزینه‌های داده شده، تولید پارچه ابریشمی از فعالیت‌های نوع دوم می‌باشد. فعالیت‌های نوع سوم، به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در فرایند آنها خدماتی به دیگران ارائه می‌شود. تجارت و خرید و فروش سنگ آهن و انتقال غلات با کشتی‌های فله‌بر از جمله فعالیت‌های نوع سوم می‌باشد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. نسبت اشتغال در فعالیت‌های چهارگانه در کشورها و نواحی مختلف جهان، متفاوت است. یکی از نیازها و نگرانی‌های مهم بشر امروز، تأمین غذاست و امنیت غذایی، جزء اهداف و برنامه‌های مهم همه کشورها محسوب می‌شود.

ب) امروزه هیچ کشوری از نظر منابع و مواد خام و کالاهای صنعتی خودکفا و بی‌نیاز از مبادله با سایر نواحی جهان نیست. د) مرحله صدور سرمایه علاوه بر صدور کالا و مربوط به دوران پس از جنگ جهانی دوم است. (قرن بیستم به بعد) به این ترتیب که علاوه بر وارد کردن فشارهای سیاسی به حکومت به سرمایه‌گذاری و ایجاد کارخانه‌های مونتاژ در دیگر نقاط جهان و بهره‌کشی از آنها اقدام کردند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. از نظر کارشناسان محیط زیست، در کشت تک محصولی، به‌دلیل اینکه مزارع سالیان متمادی به کشت یک محصول اختصاص می‌یابند، خطر فرسایش و ضعیف شدن خاک زیاد است. به علاوه، استفاده مداوم و زیاد از کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی در این مزارع نیز به محیط زیست این نواحی آسیب می‌رساند.

الف) در کشاورزی معیشتی تولید محصول یا پرورش دام (بیشتر) در حد مصرف خانوار کشاورز یا فروش محلی صورت می‌گیرد در نتیجه میزان تولید و سود اقتصادی کم است. ج) ایالات متحده آمریک حدود ۴۰ درصد (ذرت) جهان را تولید می‌کند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در کشورهای آسیایی و آفریقایی بخش عمده غذای مردم را غلات تشکیل می‌دهد. ایالات متحده آمریکا حدود ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند. از دهه ۱۹۷۰ میلادی با انقلاب سبز و به کار بردن روش‌های علمی، بذره‌ای اصلاح شده، کود و آفت‌کش‌های شیمیایی و ماشین‌آلات، برخی کشورها موفق شدند تولید کشاورزی خود را به چند برابر افزایش دهند که از جمله این کشورها فیلیپین و پاکستان هستند که در تولید برنج به خودکفایی رسیدند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عصر اکتشافات جغرافیایی در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ و انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ بوده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ایالات متحدهی آمریکا، آرژانتین، برزیل، اتحادیهی اروپا، استرالیا و زلاندنو از مهم‌ترین مراکز دامداری تجاری در جهان هستند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در بین عناصر فرهنگی، دین نقش مهمی در خلق چشم‌اندازهای فرهنگی دارد و با توجه به نمونهی کتاب درسی، جهان دارای ۶ قلمرو فرهنگی است و زبان از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی به شمار می‌رود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

زبان‌های اسپانیایی و انگلیسی در مجاورت مرز کشورهای مکزیک و ایالات متحدهی آمریکا رواج دارد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ظهور دین مسیحیت در آسیا، همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و پراکندگی پیروان دین یهود در نواحی بزرگ بزرگانی مربوط به پدیده پخش یا انتشار است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. قضیهی محصوره، قضیه‌ای است که موضوع آن مفهومی کلی باشد، نه اینکه لزوماً بر مصادیق کلی اطلاق شود. این‌گونه قضایا چهار حالت دارند (موجهی کلیه - موجهی جزئیه - سالبه‌ی کلیه - سالبه‌ی جزئیه). بررسی گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: قضایای محصوره یا دارای سور هستند و یا اینکه سور در آن‌ها حذف شده است و به‌لحاظ معنا می‌توان سور آن‌ها را مشخص کرد. مثال:

انگور شیرین است (بعضی انگورها شیرین هستند)

گزینه‌ی «۲»: قضیه‌ای که به افراد (چه محدود چه غیرمحدود) نسبت داده می‌شود، محصوره می‌باشد.

گزینه‌ی «۳»: قضیهی محصوره لزوماً بر مصادیق کلی صدق نمی‌کند، مانند موجهی جزئیه که بر برخی مصادیق موضوع صدق می‌کند و شامل همه‌ی مصادیق موضوع و محمول نمی‌شود.

گزینه‌ی «۴»: موضوع قضیهی محصوره حتماً مفهومی کلی می‌باشد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تصدیق (قضیه) می‌تواند مقدمه‌ی یک استدلال قرار بگیرد. گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) جملات خبری (قضیه) هستند، بنابراین می‌توانند به عنوان مقدمه‌ی استدلال قرار بگیرند و یا خودشان استدلال مستقلی باشند، اما گزینه‌ی (۴) پرسشی است و نمی‌تواند مقدمه‌ی استدلال قرار گیرد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

تفاوت قضیه‌ی شرطی و حملی در این است که در قضیه‌ی شرطی حکم قضیه مشروط است و مطلق نیست.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

عکس مستوی قضیه‌ی اول $\leftarrow$ بعضی الف ب است.

نقیض قضیه دوم $\leftarrow$ هر ج ب است.

در هر دو قضیه حد وسط محمول واقع شده است؛ بنابراین قیاس «شکل دوم» است. این قیاس منتج نیست؛ چون حد وسط در هر دو مقدسه دارای علامت منفی است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. قضایای «محصوره» از لحاظ تنوع سور به کلی (هر، هیچ) و جزئی (بعضی) و از لحاظ کیفیت قضیه (است و نیست) به موجه و سالبه تقسیم می‌شوند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از آخر به اول شروع می‌کنیم. (ابتدا متضاد و سپس نقیض و در نهایت عکس مستوی را به دست می‌آوریم.)

سالبه‌ی کلیه (هیچ الف ب نیست) —> «موجه‌ی جزئی» (بعضی الف ب است) —> «موجه‌ی جزئی» (بعضی ب الف است)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

موضوع قضیه‌ی گزینه‌ی ۱، مرد است که مفهومی کلی می‌باشد، لذا این قضیه محصوره است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شکل استاندارد شده‌ی عبارت صورت سؤال: بعضی از کسانی که چشم و گوش و دهان دارند آدم نیستند. (سالبه جزئی)

قضیه‌ی سالبه‌ی جزئی عکس لازم‌الصدق ندارد و اگر از آن عکس بگیریم دچار مغالطه ایهام انعکاس شده‌ایم.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از صدق یک قضیه‌ی کلی می‌توان کذب متضاد آن را نتیجه گرفت. همان‌طور که در گزینه‌ی ۴ از صدق «هیچ الف ب نیست» کذب «هر الف ب است» نتیجه گرفته شده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. متداخل قضیه‌ی «هر کنکوری دانش‌آموز است» قضیه‌ی «بعضی کنکوری‌ها دانش‌آموز هستند» می‌شود؛ زیرا در تداخل فقط سور تغییر می‌کند، نه نسبت.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حس تفاوت‌های اشیا را به انسان نشان می‌دهد و باعث می‌شود به کمک عقل بتواند استفاده‌های مختلف از اشیای مختلف را برای انسان رقم بزند. رد سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: شناخت تجربی (نه همه‌ی شناخت‌ها) بر قواعد عقلانی استوار است.

گزینه‌ی «۲»: عقل می‌تواند حالات درونی را شناسایی کند، نه اینکه منشأ آن‌ها باشد.

گزینه‌ی «۳»: یکی از توانایی‌های عقل، شناخت عقلانی است که امکان درک یافته‌های سودمند درباره‌ی کل هستی را به انسان می‌دهد، اما این‌که بتواند کل آن را بشناسد از قدرت و قوه‌ی عقل خارج است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

در گزینه‌ی «۳» به محدوده‌ی شناخت بشر و این‌که آیا اساساً شناخت به غیرمحسوس نیز تعلق می‌گیرد یا خیر، پرداخته شده است. گزینه‌های «۱» و «۲» مربوط به امکان شناخت و گزینه‌ی «۴» نیز در مورد منشأ شناخت است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هم معنا و هم امکان شناخت از امور بدیهی هستند که به صرف تصور آن‌ها، مورد تصدیق واقع خواهند شد. (رد گزینه‌های «۱» و «۴») البته این موضوع بدین معنا نیست که امکان شناخت تا کنون مورد انکار واقع نشده‌باشد. در تاریخ فلسفه بوده‌اند کسانی که منکر امکان شناخت شده‌اند و به عنوان مثال گرگیاس که یکی از

سوفسطائیان است، از این قبیل به شمار می‌رود. (رد گزینه‌ی «۲») ولی باید دانست که هر چند انکار لفظی آن ممکن

است، اما نمی‌شود به صورت عملی آن را انکار کرد، چون انکار عملی آن مستلزم آن است که فرد هیچ‌کاری نکند: غذای

نخورد، آب نیاشامد و نخوابد و ... و چنین چیزی غیرممکن خواهد بود. بنابراین شکاک مطلق (کسی که در اصل توانایی

شناخت و امکان آن شک می‌کند) هر چند به لفظ منکر شناخت است، اما امکان ندارد که به صورت عملی نیز دست از

زندگی بشوید و به صورت عملی منکر شناخت شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ابن‌سینا معتقد بود که قانون علیت حاصل تجربه و آزمایش نیست، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. قانون علیت یکی از قواعد اولیه‌ی تعقل بوده که انسان در شناخت هر پدیده‌ای از آن استفاده می‌کند.

معرفت شهودی یک معرفت بی‌واسطه است که بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی پیدا می‌کند. (رد گزینه‌ی ۱) انسان به کمک قوه‌ی عقل می‌تواند به حقایقی پی ببرد که هم شامل امور محسوس و طبیعی باشد و هم امور غیر محسوس و غیر طبیعی. (رد گزینه‌ی ۲) یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست. (رد گزینه‌ی ۳)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شک مطلق به معنای شک در اصل دانستن و همه‌ی دانسته‌ها است که در واقع امکان‌پذیر نیست. زیرا اگر کسی چنین نظری داشته باشد، گرفتار تناقض شده است.

در گزینه ۱ شک مطلق شامل همه دانسته‌ها می‌باشد. گزینه ۲ شک در توانایی برخی دانسته‌ها و دانستن‌ها یک شک طبیعی است و غیر از شک در امکان اصل شناخت است. گزینه ۳ شک در اصل دانستن به بخشی از شک مطلق اشاره دارد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. پرسش (آیا در هستی قانون علیت جاری است؟) مربوط به بخش هستی‌شناسی فلسفه می‌باشد و معرفت‌شناسی، توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اندیشیدن درباره‌ی اندیشیدن یکی از موضوعات مهم فلسفه به شمار می‌آید (رد گزینه‌ی ۲)). شناخت هم به امور محسوس و هم به امور غیرمحسوس تعلق می‌گیرد (رد گزینه‌ی ۳)) و نمی‌توان نتیجه گرفت که اگر چیزی شناختنی نباشد، وجود ندارد (رد گزینه‌ی ۴)).

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه‌ی آن در طبیعت زندگی می‌کنیم. از اشیای طبیعی بهره می‌بریم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم. پس بارزترین نشانه اعتبار شناخت حسی همین است. البته سایر گزینه‌ها هم نشانه‌های شناخت را مطرح می‌کنند ولی در این حد نشانه‌ی بارزی نیستند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. معرفت از طریق قلب، گام به گام و «به تدریج» حاصل می‌شود؛ «بی‌واسطه» است؛ و برای آن، تهذیب نفس و سیر و سلوک ضروری است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تصحیح و تکمیل دانش که منجر به پیشرفت دانش شده است دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است. (امکان شناخت)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند + تولید خارجیان مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

هزار میلیارد ریال ۲۰ = تولید خارجیان مقیم کشور $\Rightarrow$ ۱۰ + تولید خارجیان مقیم کشور - ۲۴۵ = ۲۳۵

مجموع کل سهم دهک‌ها به جز سهم دهک هشتم - ۱۰۰ = سهم دهک هشتم
 $\Rightarrow$ سهم دهک هشتم = $100 - (2 + 3 + 4 + 6 + 8 + 10 + 12 + 18 + 22)$
 $\Rightarrow$ درصد ۱۵ = $100 - 85$ = سهم دهک هشتم

$$\text{میلیون دلار } 5/4 = 36 \times \frac{15}{100} = \text{سهم دهک هشتم از درآمد ملی}$$

(ب) در توزیع درآمد به روش شاخص دهک‌ها مردم کشور به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌شوند. در نتیجه اگر جمعیت کل کشور ۷ میلیون نفر باشد، خواهیم داشت:

$$\text{هزار نفر } 700 = \text{میلیون نفر } 0/7 = \frac{7}{10} = \text{جمعیت دهک دهم}$$

(ج) در کشور A داریم:

۴۰ درصد از درآمد ملی این کشور به ۲۰ درصد پردرآمد جامعه تعلق دارد.
 ۱۵ درصد از درآمد ملی این کشور به ۴۰ درصد پایین جامعه تعلق دارد.
 ۲۳ درصد از درآمد ملی به ۵۰ درصد کم درآمد جامعه تعلق دارد.
 ۵۵ درصد از درآمد ملی به ۳۰ درصد بالای جامعه تعلق دارد.
 اطلاعات ذکر شده در مورد وضعیت توزیع درآمد کشور A در همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی «ا» صحیح است.

$$\text{د) } 11 = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{22}{2} = \text{شاخص توزیع درآمد در کشور A}$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. رشد صرفاً به معنای افزایش تولید است بنابراین مفهوم کمی است، شاخص‌های رشد اقتصادی: افزایش ظرفیت‌های تولیدی و افزایش درآمد شاخص توسعه‌ی انسانی تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می‌دهد. مؤلفه‌های نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، سرانه‌ی درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری تشکیل دهنده‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی است. علاوه بر این، مؤلفه‌هایی نظیر امید به زندگی، نرخ باروری، نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص‌های فقر و پایداری محیطی (مثل انرژی‌های تجدید شونده و فسیلی، کاهش آلاینده‌های محیط زیست و گازهای گلخانه‌ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی)، در گزارش‌های توسعه‌ی انسانی منعکس می‌شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

$$\text{ریال } 2,500 = 900 + 1,600 = (20 \times 80) + (90 \times 10) = \text{GDP اسمی سال } 1389$$

$$\text{ریال } 7,800 = 4,800 + 3,000 = (120 \times 40) + (30 \times 100) = \text{GDP اسمی سال } 1390$$

GDP واقعی سال ۱۳۹۰ براساس قیمت‌های سال ۱۳۸۹

$$\text{ریال } 3,600 = 1,200 + 2,400 = (120 \times 10) + (30 \times 80)$$

$$\text{GDP اسمی سال } 1389 - \text{GDP اسمی سال } 1390 = \text{نرخ رشد GDP اسمی سال } 1390 \times 100$$

$$= \frac{7,800 - 2,500}{2,500} \times 100 = \text{درصد } 212$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هرگاه اقتصاددانان در محاسبه درآمد مردم برای شاخص دهک‌ها به مشکل برخوردند از هزینه خانوار استفاده می‌کنند زیرا هزینه خانوار بیانگر درآمد آنهاست. یعنی اقتصاددانان به جای اختلاف درآمدی اختلاف هزینه‌ای را محاسبه می‌کنند و از آن برای شاخص دهک‌ها استفاده می‌کنند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$\text{د دلار } ۱۳۹۹ \text{ GDP} = (۵۰ \times ۹۰۰) + (۶۵ \times ۸۵۰) = ۴۵,۰۰۰ + ۵۵,۲۵۰ = ۱۰۰,۲۵۰$$

$$\text{د دلار } ۱۳۹۸ \text{ GDP} = (۴۰ \times ۸۰۰) + (۶۰ \times ۷۰۰) = ۳۲,۰۰۰ + ۴۲,۰۰۰ = ۷۴,۰۰۰$$

$$\text{د دلار } ۱۳۹۷ \text{ GDP} = (۳۰ \times ۵۰۰) + (۴۰ \times ۴۰۰) = ۱۵,۰۰۰ + ۱۶,۰۰۰ = ۳۱,۰۰۰$$

$$\text{نرخ رشد تولید اسمی در سال } ۱۳۹۹ = \frac{۱۰۰,۲۵۰ - ۷۴,۰۰۰}{۷۴,۰۰۰} \times ۱۰۰ \approx ۳۵ \text{ درصد}$$

$$\text{نرخ رشد تولید اسمی در سال } ۱۳۹۸ = \frac{۷۴,۰۰۰ - ۳۱,۰۰۰}{۳۱,۰۰۰} \times ۱۰۰ \approx ۱۳۸ \text{ درصد}$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

الف) فقط مورد گزینه‌ی «۴» در تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود.

بررسی سایر موارد:

گزینه‌ی «۱»: در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود، چرا که موتور خودرو نمونه‌ای از کالاهای واسطه‌ای است و در تولید کالای نهایی یعنی خودروی مونتاژ شده استفاده شده است.

گزینه‌ی «۲»: در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود، زیرا موارد غیرقانونی در محاسبات لحاظ نمی‌شوند.

گزینه‌ی «۳»: در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود، چرا که ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، در محاسبات لحاظ نمی‌شوند.

ب) بررسی موارد نادرست:

گزینه‌ی «۱»: همه‌ی عوامل یا منابع تولید در اقتصاد کمیاب‌اند.

گزینه‌ی «۲»: حتی اگر یک کشور کالاهایی را از دیگر کشورها بخرد، هنوز با کمیابی و مبادله مواجه است.

الف) مجموع سهم دهک‌ها برابر با ۱۰۰ می‌باشد.

از آن‌جا که مجموع سهم دهک‌های معلوم معادل $(۳ + ۴ + ۵ + ۷ + ۹ + ۱۲ + ۱۵ + ۱۷ + ۱۸ = ۹۰)$ درصد ۹۰ درصد

می‌باشد، بنابراین سهم دهک مجهول یعنی سهم دهک ششم برابر با ۱۰ درصد $(۱۰۰ - ۹۰ = ۱۰)$ است.

برای شکل‌گیری شاخص دهک‌ها، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. بنابراین جمعیت افراد در هر دهک برابر خواهد بود با:

$$\text{میلیون نفر } ۳ = \frac{۳۰}{۱۰} = \text{جمعیت افراد هر دهک}$$

$$\text{میلیون دلار } ۲,۱۶۰ = ۲۱,۶۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = \text{سهم دهک ششم از درآمد ملی کشور}$$

$$\text{دلار } ۷۲۰ = \frac{۲,۱۶۰}{۳} = \text{سهم هر یک از افراد دهک ششم از درآمد ملی} = \text{درآمد سرانه‌ی افراد دهک ششم}$$

ب) اگر بخواهیم شاخص دهک‌ها در کشور کوبا برابر با عدد $۴/۵$ شود، سهم دهک دهم باید برابر با $۱۳/۵$ درصد شود:

$$\text{درصد } ۱۳/۵ = \text{سهم دهک دهم} \Rightarrow \frac{۴/۵}{۳} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} \Rightarrow \frac{۴/۵}{۳} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}}$$

در صورت سؤال گفته شده که وضعیت توزیع درآمد در کشور کوبا مناسب‌تر از کشور A شود، در نتیجه سهم دهک دهم که اکنون برابر با ۱۸ درصد است، باید بیشتر از $۴/۵$ درصد $(۱۸ - ۱۳/۵ = ۴/۵)$ کاهش یابد تا سهم دهک دهم کمتر از $۱۳/۵$ درصد شود و در نتیجه شاخص دهک‌ها کوچک‌تر از $۴/۵$ شود.

ج) بررسی قسمت «ج» گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: نادرست است، ۳۵ درصد درآمد ملی این کشور $(۱۸ + ۱۷ = ۳۵)$ در اختیار ۱۶ میلیون نفر پردرآمد جامعه (یا همان ۲۰ درصد پردرآمد جامعه یا دهک‌های دهم و نهم) قرار دارد.

گزینه‌ی «۲»: نادرست است، ۲۸ درصد درآمد ملی این کشور $(۳ + ۴ + ۵ + ۷ + ۹ = ۲۸)$ در اختیار ۵۰ درصد کم درآمد جامعه (دهک‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم) قرار دارد.

گزینه‌ی «۳»: صحیح است. ۱۹ درصد درآمد ملی این کشور $(۳ + ۴ + ۵ + ۷ = ۱۹)$ در اختیار ۴۰ درصد کم‌درآمد جامعه (دهک‌های اول، دوم، سوم و چهارم) قرار دارد.

۴) صحیح است. ۵۰ درصد درآمد ملی این کشور $(۱۸ + ۱۷ + ۱۵ = ۵۰)$ در اختیار ۳۰ درصد پردرآمد جامعه (دهک‌های هشتم، نهم و دهم) قرار دارد.

- سبب‌زمینی فروخته شده به کارخانه‌ی تولید چیپس، یک کالای واسطه‌ای محسوب می‌شود، و از آنجا که ارزش آن در تولید نهایی (چیپس) محاسبه می‌شود، نباید آن را جداگانه محاسبه کنیم.
- کار بدون دستمزد در محاسبه‌ی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود. در اینجا دستمزد دریافت‌شده اما مبلغ کمتر است، بنابراین حساب می‌شود.
- خدمات خالکوبی جزء اقتصاد زیرزمینی و غیرقانونی است که در محاسبه لحاظ نمی‌شود. زیرا اطلاعات دقیقی از آن در دسترس نیست و محاسبه‌ی آن نوعی مشروعیت‌بخشی به این‌گونه فعالیت‌ها می‌شود.
- تولید ناخالص داخلی، کالاها و خدماتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود، اندازه می‌گیرد، صرف نظر از این که چه شهروندی آن را تولید کرده است. از این رو، تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکت‌ها و افرادی که در ایران فعالیت می‌کنند، آن‌ها را تولید کرده‌اند، حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌ها (مثل چینی‌ها) باشد.
- تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولیدشده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی‌مانده از سال قبل نمی‌شود، یعنی چیزهایی که در یک سال تولید می‌شود و د سال بعد فروخته می‌شود.

- الف) رشد و پیشرفت، نقطه‌ی مقابل رکود است.
- ب) کشورها معمولاً با سرمایه‌گذاری بیشتر یا به‌کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می‌دهند و این امر به درآمد بیشتر می‌انجامد.
- پ) رشد اقتصادی یک هدف مشترک است، زیرا کشور را قادر می‌سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد.

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \text{شاخص وضعیت توزیع درآمد (شاخص دهک‌ها)}$$

$$\text{درصد ۱} = \frac{۵}{۱۰۰} \times \text{سهم دهک دهم} = \frac{۵}{۱۰۰} \times ۲۰ = ۱$$

$$\text{شاخص دهک‌ها در کشور A} = \frac{۲۰}{۱} = ۲۰$$

$$\text{شاخص دهک‌ها در کشور B} = \frac{۱۶}{۴} = ۴$$

$$\text{شاخص دهک‌ها در کشور C} = \frac{۳۲}{۲} = ۱۶$$

$$\text{سهم دهک ششم} = ۴ \times ۶ = ۲۴ = \text{سهم دهک دهم در کشور D}$$

$$\text{شاخص دهک‌ها در کشور D} = \frac{۲۴}{۳} = ۸$$

هر چه شاخص وضعیت توزیع درآمد (شاخص دهک‌ها - نسبت سهم دهک دهم به سهم دهک اول) بیشتر باشد: توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب‌تر است و بالعکس. در نتیجه:

- وضعیت توزیع درآمد در کشور A با شاخص دهک ۲۰، نامناسب‌تر از وضعیت توزیع درآمد در سایر کشورها است.
- وضعیت توزیع درآمد در کشور B با شاخص دهک ۴، عادلانه‌تر از وضعیت توزیع درآمد در سایر کشورها است.
- دهک اول کشور A که برابر با ۱ درصد است در مقایسه با سایر دهک‌ها کمتر است و کمترین درصد درآمد ملی را دارد.

الف) در جدول شاخص دهک‌ها سهم هر دهک برابر با ۱۰ درصد جمعیت کشور است، در نتیجه: ۳۰ درصد جمعیت برابر است با ۳ دهک و منظور از سه دهک پردرآمد جامعه: سه دهک دهم، نهم و هشتم است.

درصد = سهم دهک هشتم + سهم دهک نهم + سهم دهک دهم

$$\Rightarrow \text{درصد} = ۱۶ = ۵۰ - ۳۴ = \text{سهم دهک نهم} \Rightarrow ۵۰ = ۱۲ + \text{سهم دهک نهم} + ۲۲ \Rightarrow$$

درصد ۱۰۰ = مجموع سهم دهک‌ها

$$\Rightarrow ۱۰۰ = ۲۲ + ۱۶ + ۱۲ + ۱۱ + ۱۰ + ۷ + \text{سهم دهک سوم} + ۳ + ۲$$

$$\Rightarrow \text{درصد} = ۵ = ۱۰۰ - ۹۵ = \text{سهم دهک سوم}$$

ب) جمعیت همه‌ی دهک‌ها برابر ند و هر کدام ۱۰ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شوند. در نتیجه وقتی مجموع جمعیت ۴ دهک برابر با ۳۲ میلیون نفر باشد، جمعیت هر دهک برابر با ۸ میلیون نفر است و کل جمعیت برابر خواهد بود با: ۸۰ میلیون نفر $۸۰ = ۸ \times ۱۰ = ۱۰ \times \text{جمعیت هر دهک} = \text{جمعیت کل جامعه}$

پ) برای محاسبه‌ی شاخص وضعیت توزیع درآمد از روش زیر استفاده می‌شود:

$$\text{شاخص وضعیت توزیع درآمد} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}}$$

هرچه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب‌تر است و بالعکس، در نتیجه خواهیم داشت:

$$۷ = \text{شاخص وضعیت توزیع درآمد در کشور } B$$

$$۱۱ = \frac{۲۲}{۲} = \text{شاخص وضعیت توزیع درآمد در کشور } A$$

وضعیت توزیع درآمد در کشور B با شاخص دهک ۷، عادلانه‌تر از وضعیت توزیع درآمد در کشور A با شاخص دهک ۱۱ است.

الف)

$$\text{تولید ناخالص داخلی واقعی در سال دوم} = (۴۸۰ \times ۴۰۰) + (۵۲۰ \times ۱۵۰۰)$$

$$= ۱۹۲,۰۰۰ + ۷۸۰,۰۰۰ = ۹۷۲,۰۰۰ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

ب)

$$\text{هزار میلیارد ریال} = ۸۰۳,۰۰۰ = ۱۲۸,۰۰۰ + ۶۷۵,۰۰۰ = (۳۲۰ \times ۴۰۰) + (۴۵۰ \times ۱۵۰۰) = \text{تولید در سال پایه}$$

$$(۶۲۰ \times ۴۰۰) + (۷۵۰ \times ۱۵۰۰) = \text{تولید ناخالص داخلی واقعی در سال سوم}$$

$$= ۱,۳۷۳,۰۰۰ + ۱,۱۲۵,۰۰۰ = ۲,۴۹۸,۰۰۰ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد} = ۷۰/۹۸ = \frac{۱,۳۷۳,۰۰۰ - ۸۰۳,۰۰۰}{۸۰۳,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \text{نرخ رشد تولید واقعی در سال سوم نسبت به سال پایه}$$

